

# The Political Seerah of Imam Rezā(AS) in his Encounter with the Demagogy of Antagonists<sup>1</sup>

Hossein Khakpour<sup>1</sup>, Fatemeh Masome Dahmarde<sup>2</sup>, Hadi Zeini Malek Abad<sup>3</sup>

1. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Sistan and Baluchistan, Sistan and Baluchistan, Iran (**Corresponding author**). [dr.khakpour@theo.usb.ac.ir](mailto:dr.khakpour@theo.usb.ac.ir)

2. Master's student, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Sistan and Baluchistan, Sistan and Baluchistan, Iran. [fatememasome.dahmarde@gmail.com](mailto:fatememasome.dahmarde@gmail.com)

3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Sistan and Baluchistan, Sistan and Baluchistan, Iran. [zeini@theo.usb.ac.ir](mailto:zeini@theo.usb.ac.ir)

## Abstract

The purpose of the present study is to review the political seerah of Imam Rezā (AS) in his encounter with the demagogy of antagonists. The method of study is descriptive-analytic and results indicate that although historical propositions are silent about the conspiracy of these 2 movements during the time of Imam Rezā (AS), it is reckoned that both bases -power and Vāqefiyah- synergized against Imam Rezā (AS) with their independent interests and each of them tried to deceive people in a way. The analysis of Imam Rezā (AS)'s techniques shows that one of the basic principles against soft war, especially the demagogy of antagonists, is to recognize their goals. Therefore, the suitable strategy should be in line with the fortification of status and enlightenment of public thought. Disclosure, enlightenment, telling the truth, training the elites, ... are among techniques used by Imam Rezā (AS) against the demagogy of Ma'moun and the sect of Vāqefiyah.

**Keywords:** Soft War, Imam Rezā (AS), Political Seerah, Vāqefiyah, Demagogy, Ma'moun.

---

1. Received: 2020/01/25 ; Revised: 2022/01/05 ; Accepted: 2022/01/30

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

**Publisher:** Political Studies Association of the Seminary

## سیره سیاسی امام رضا(ع) در مواجهه با عوام‌فریبی معاندان<sup>۱</sup>

حسین خاکپور<sup>۱</sup>، فاطمه معصومه دهمرده<sup>۲</sup>، هادی زینی ملک‌آباد<sup>۳</sup>

۱. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران (نویسنده مسئول).  
dr.khakpour@theo.usb.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.  
fatememasome.dahmarde@gmail.com

۳. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران. zeini@theo.usb.ac.ir

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی سیره سیاسی امام رضا(ع) در مواجهه با عوام‌فریبی معاندان است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است اگرچه گزاره‌های تاریخی نسبت به تبانی این دو جریان در زمان امام رضا(ع) ساکت است. اما قابل حدس است که هر دو پایگاه-قدرت و واقفیه-با منافع مستقل در مقابله با امام رضا(ع)، هم‌افزایی نموده و هر کدام به گونه‌ای عوام‌فریبی نمودند. حاصل بررسی تکنیک‌های امام رضا(ع) نیز نشان می‌دهد که یکی از اصول اساسی در مقابله با جنگ نرم، به‌خصوص عوام‌فریبی معاندان، شناخت اهداف حریف از عوام‌فریبی است. بنابراین، راهبرد مناسب باید در راستای تقویت جایگاه و روشن نمودن افکار عمومی باشد. افشاء‌گری، روشن‌گری، بیان حقیقت، نخبه‌پروری و... از جمله تکنیک‌هایی هستند که امام رضا(ع) در مقابله با عوام‌فریبی مأمون و فرقه واقفیه بکار گرفتند.

**واژه‌های کلیدی:** جنگ نرم، امام رضا(ع)، سیره سیاسی، واقفیه، عوام‌فریبی، مأمون.

۱. خاکپور، حسین؛ دهمرده، فاطمه معصومه؛ زینی ملک‌آباد، هادی (۱۴۰۱). سیره سیاسی امام رضا(ع) در مواجهه با عوام‌فریبی معاندان. *سیاست متعالیه*، ۱۰ (۳۶): صص ۱۳۷-۱۵۸. DOI: 10.22034/sm.2022.120681.1505

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۱۱/۰۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

## ۱. مقدمه

در دنیای امروز با توسعه فناوری‌های مختلف در حوزه ارتباطات و فضای مجازی، عرصه جنگ نرم، گسترده و پیچیده شده است، یکی از مؤلفه‌های زیربنایی دشمن در این حوزه، عوام‌فریبی است. اسلام و به‌خصوص تشیع، از راه‌های مختلف و توسط ابزارهای متنوع تبلیغاتی مورد حمله قرار می‌گیرد. در صورت عدم اقدام متقابل و عملیات تدافعی مناسب، اندیشه معارض به‌جای اندیشه‌های ناب اسلامی و شیعی قرار می‌گیرند. از این‌رو، دستیابی به روش‌های مقابله با جنگ نرم، بسیار ضروری است. قرآن، روایات و سیره معصومان(ع) که تصویری روشن از ابعاد وجودی انسان ارائه می‌دهند، روش‌ها و راهکارهای مختلفی را برای مقابله با جنگ نرم معاندان فرا روی مدافعان دین قرار می‌دهند.

جنگ روانی از صدر اسلام و در رویارویی پیامبر(ص) با مشرکان، یهود و منافقان وجود داشته است. پس از رحلت پیامبر(ص)، حوزه جنگ روانی با مطرح شدن حدیث در کنار قرآن، به عنوان منبع فرعی، قدرت گرفت و با سوءاستفاده از روایات و جعل احادیث، وارد مرحله تازه‌ای شد. رصد برخی از مؤلفه‌های جنگ روانی در قالب احادیث جعلی، پیچیدگی دوچندان عرصه جنگ نرم، در این دوره را روشن می‌سازد. در حیات اجتماعی و سیاسی ائمه معصومین(ع)، پیوسته جنگ و جدال مخالفان در عرصه‌های مختلف وجود داشته است، در دوران امام حسن(ع) با حکومت بنی‌امیه و توطئه‌های معاویه، جنگ روانی به اوج خود رسید. این روند با فراز و فرودهایی در دوران خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس ادامه داشت. در عصر امامت امام رضا(ع) نیز، مظاهر جنگ روانی معاندان علیه امام به ویژه عنصر عوام‌فریبی، مشاهده می‌شود. این امام همام همیشه با گونه‌ای از مسائل فریب‌کارانه و تهدیدآمیز مواجه بود. ایشان در مواجهه با این تکنیک معاندان، همیشه با روشی هوشمندانه و زیرکانه بهترین راه را برای حفظ اسلام انتخاب نموده و به مبارزه روانی علیه دشمنان می‌پرداختند. استخراج راهبردها و تکنیک‌های مأمون در عرصه جنگ روانی با امام رضا(ع) و در مقابل، تکنیک‌های ضد عملیات روانی و عکس‌العمل ایشان، به ویژه در حوزه عوام‌فریبی، روش‌های قابل کاربستی ارائه می‌دهد که می‌تواند برای مقابله با جنگ روانی در دنیای امروز مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که امام رضا(ع) چه تکنیک‌هایی در مقابله با

راهبرد عوام‌فریبی مخالفان بکار می‌گرفتند؟

## ۲. پیشینه پژوهش

تا جایی که نگارندگان پژوهش حاضر بررسی کرده‌اند، تاکنون در چارچوب پژوهش حاضر، مقاله، کتاب و با پایان‌نامه مستقلی به رشته تحریر درنیامده است. برخی پژوهش‌ها به صورت عام می‌توانند راهگشا و مفید باشند. جمال‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «قدرت نرم در سیره رضوی»، نشان دادند که توحید، امامت و عدالت در امتداد نبوت، اصول بنیادین قدرت نرم رضوی را شکل می‌دهد و تقیه، مناظره و معجزه در زمره مهم‌ترین ابزارهای مورد استفاده امام رضا(ع) در حوزه اعمال قدرت نرم است.

دهمرده (۱۳۹۶)، نیز در پژوهشی با عنوان «مقابله با جنگ نرم در سیره سیاسی امام رضا(ع)»، مولفه‌های جنگ در عصر امام رضا(ع) را تبیین نموده و سپس تکنیک‌های ایشان در مواجهه با جنگ نرم معاندان را مطرح می‌کند.

برزگر (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «سیره سیاسی امام رضا(ع) در قبال مأمون»، به راهکارهای مقابله امام رضا(ع) با سه تاکتیک تطمیع، تهدید و تزویر می‌پردازد. نتایج حاکی از آن است که مأمون ابتدا قصد اغوای امام رضا(ع) یا تزویر را دارد که با بیان مقاصد پنهان مأمون خطاب به وی، این مرحله به سرعت به پایان می‌رسد. تطمیع اول، با پیشنهاد خلافت و تطمیع دوم، با پیشنهاد ولایتعهدی و سپس «تهدید» برای القای «تصور تطمیع شدن» در اذهان عمومی غیربصیر از فنون مأمون بوده که همواره توسط امام رضا(ع) خنثی و این موارد به فرصت‌سازی تبدیل شده است.

حق‌شناسی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «راهبرد مقابله با جنگ نرم، با تکیه بر سیره امام رضا(ع)»، راهبردهای موثر برای مقابله با جنگ نرم دشمن را اجرای سیره تربیتی، اخلاقی و عملی امام رضا(ع) و ترویج مکتب رضوی، برگزاری مناظرات و جلسات پرسش و پاسخ، تربیت افراد متخصص، بهره‌گیری از ابزارهای اطلاع‌رسانی، تلاش در جهت ایجاد وحدت در تمام زمینه‌ها و... را برای مبارزه با جنگ نرم دشمن پیشنهاد می‌دهد.

میراحمدی (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان «گونه‌های مقابله با فرقه‌های کج‌اندیش در سیره امام رضا(ع)»، به تبیین فعالیت برخی فرقه‌ها پرداخته و روش‌های مقابله امام رضا(ع) با آن‌ها را تبیین نموده است. هرچند که روش‌های مقابله امام رضا(ع) در مقابل این فرقه اشتراکاتی با روش‌های حضرت در سیره سیاسی با حاکمیت دارد، لیکن نوع پژوهش متفاوت است. بر این اساس پژوهش حاضر دارای رویکرد جدیدی بوده که در هیچ کدام از پژوهش‌های پیشین طرح نشده است.

### ۳. چارچوب مفهومی

در جهت روشن شدن مباحث برخی مفاهیم بنیادین پژوهش تبیین می‌شود.

#### ۱-۳. جنگ نرم

امروزه جنگ نرم جایگزین جنگ سخت شده است. جنگ نرم را می‌توان هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای دانست که جامعه هدف را نشانه گرفته و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار، به انفعال و شکست وامی‌دارد. جنگ روانی، جنگ سفید، جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی، براندازی نرم، انقلاب نرم، انقلاب مخملی، انقلاب رنگی و... از شکل‌های جنگ نرم است (جلالی فراهانی، ۱۳۹۰: ص ۲۵). جوزف نای<sup>۱</sup> تئورسین جنگ نرم، جنگ نرم را روشی می‌داند که بر اساس آن هنجارها و باورها، با کم‌ترین هزینه از سوی طرف مقابل پذیرفته می‌شود، بر این اساس وی کاهش قدرت (سخت) ایالات متحده در قرن اخیر را دلیلی محکم برای توجه به قدرت نرم و تغییر استراتژی به سمت جنگ نرم می‌داند (Nye, 1990: p.153-154). بر اساس توضیح جوزف نای، مقدر نبودن جنگ سخت و یا نداشتن توان کافی در جنگ سخت، از عوامل مهم روی آوری به جنگ نرم است. بنابراین، رابطه قدرت نرم و جنگ نرم نیز از اینجا مشخص می‌شود.

تاکتیک‌های جنگ نرم شامل جنگ سایبری و تحریم‌های اقتصادی، جنگ رسانه‌ای و تبلیغات، و همچنین مقاومت غیرخشونت‌آمیز است که در [ایجاد] نافرمانی مدنی انجام می‌شود. در حالی که در جنگ سخت، گلوله، بمب و سرنیزه-حرف‌های زیادی برای گفتن دارد- در مورد موضوع جنگ نرم عملاً ساکت است (Gross, 2017). پیشرفت تکنولوژی، فناوری و ارتباطات، زمینه بهره‌گیری از جنگ نرم را بیشتر کرده است. در کنار آثار متعددی که در مورد جنگ نرم نوشته شده است، مقاله «جنگ نرم مقدم بر جنگ سخت؛ چرا و چگونه؟» (نک: موسی‌پور، ۱۴۰۰: ص ۱۱۸-۱۳۶)، نشان می‌دهد که در ادبیات پژوهشی، اولویت جنگ نرم به مقام اثبات رسیده است.

#### ۲-۳. فریب

«فریب» عبارت است از ارائه وارونه واقعیت برای دستیابی به برخی برتری‌ها. عملیات فریب سلسله اقدامات سازمان‌یافته و پنهانی است که به منظور تأثیرگذاری بر ذهنیت حریف (مردم)، طراحی و اجرا

1. Joseph Nye

می‌شود و هدف اصلی آن ایجاد انحراف در تصمیمات حریف است (جنیدی، ۱۳۸۸: ص ۳۱۳). به همین منظور برخی از آگهی‌های تبلیغاتی که مخالف با واقعیت است را می‌توان نوعی عوام‌فریبی بشمار آورد. در سیاست فریب، تلاش می‌شود مخاطب به سمت فضای روانی متفاوت با واقعیت سوق داده شود. فریب‌دهنده معمولاً از روش‌هایی همچون دوپهلوی صحبت کردن و استفاده از موقعیت و مقام چیزی برای پذیرش چیز دیگر استفاده می‌کند (اسکندری، ۱۳۹۰: ص ۲۸).

### ۳-۳. عوام فریبی

یکی از شکل‌های جنگ نرم که بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد، «عوام فریبی» است. فرهنگ معین به خاستگاه عوام‌فریبی از دِماگوژی<sup>۱</sup>، یاد می‌کند و می‌نویسد: این واژه از اصل یونانی «دماگوگیا» به معنای «رهبری مردم» گرفته شده است؛ اما رفته‌رفته در زبان سیاسی امروز معنای عوام‌فریبی و مردم - فریبی به خود گرفته است (معین، ۱۳۸۳، ذیل ماده «دِگُ ژ»).

از نظر اصطلاح‌شناسی و اشاره به تحول معنایی دماگوژی، آشوری معتقد است: «دماگوژی» و «دماگوژیسم» از فرانسه به فارسی وارد شده و در اصل از کلمه «دماگوگیا» در زبان یونانی گرفته شده است که در یونانی دماگوگیا به معنای «رهبری مردم» بوده و در روم باستان نیز به همین معنا بکار می‌رفته و معنای افتخارآمیز داشته و شخصیت‌های بزرگ را «دماگوس» یا «رهبر مردم» می‌نامیده‌اند. کسانی چون پریکلِس<sup>۲</sup>، دموستنس<sup>۳</sup> و کیکیرو<sup>۴</sup> (سپسرو) را به این نام خوانده‌اند. اما در زبان سیاسی جدید، دماگوژی به معنای عوام‌فریبی و مردم‌فریبی بکار می‌رود، یعنی بهره‌گیری نادرست از احساسات و تعصب‌های عامه مردم. از این‌رو، «دماگوگ» در زبان سیاسی جدید هم‌ردیف با «عوام فریب» و «مردم فریب» است (آشوری، ۱۳۷۶: ص ۱۵۷).<sup>۵</sup> بنابراین، در حال حاضر دماگوژی معنای منفی دارد که به دنبال سوءاستفاده

1. Demagogie

2. Periklēs

3. Demosthenes

4. Calgary

۵. فرهنگ آکسفورد نیز اینگونه تحلیل نموده که دماگوژی از همان ابتدا به معنای رهبری توده مردم بوده، اما در معنای جدید اثر منفی پذیرفته، به این صورت که به راهبری توده مردم برای اهداف حقیرانه باشد، تغییر یافته است. نک.:

<https://www.oxfordreference.com/view/10/1093/oi/authority.20110803095709183>

از احساسات و عواطف مردم است.<sup>۱</sup> در رویکردی نو به مفهوم عوام‌فریبی، رابرت میلر معتقد است که عوام‌فریبی می‌تواند غیرعاطفی، روشنفکرانه و عقلانی باشد (Roberts-Miller, 2005: p.471). بر این اساس است که وی در تعریف دماغوژی، آن را پروپاگانداي دو قطبی می‌داند که اعضای یک گروه را تحریک می‌کند تا از برخی گروه‌ها متنفر باشند (Roberts-Miller, 2005: p.462).

یکی از مفاهیم مهم که از نظر سیاسی دستخوش دماغوژی می‌شود، عدالت است، تا بدان‌جا که برخی معتقدند: مفروض این است که عدل در همان اصول و ضوابط حقوقی تجلی کرده و جستجوی آن در ورای این اصول نوعی خودکامگی حقوقی بوده و خالی از دماغوژی نیست» (صفری فروشانی، ۱۳۹۱: ص ۴۴). در ادبیات سیاسی معاصر، دماغوژی در مقابل دموکراسی قرار گرفته و تاکید شده که خطر دموکراسی، عوام‌فریبی است (Merritt, 2021). از منظر بررسی رفتار سیاست‌مداران، دماغوژی (عوام‌فریبی) در تضاد با برنامه‌های بلند مدت، دوراندیشی و خیرخواهی اجتماعی است. کسانی که از عوام‌فریبی استفاده می‌کنند، از این ویژگی انسان‌شناسی اجتماعی بهره برده‌اند که انسان ذاتاً ترجیح می‌دهد به جای عقل (شعور)،<sup>۲</sup> بر اساس شور و اشتیاق<sup>۳</sup> تصمیم بگیرد [...]: بنابراین، عوام‌فریبان برای افراد کوتاه‌فکر، برنامه‌های جذابی دارند و به جای برنامه‌ریزی اجتماعی،<sup>۴</sup> دست به عوام‌فریبی می‌زنند (Bernhardt, 2021: p.1-2).

در یک قرن اخیر دماغوژی بسط و توسعه یافته و در قالب «مهندسی موافقت/ رضایت»<sup>۵</sup> سربرآورده است که از یک اصطلاح صرفاً سیاسی فراتر رفته است. مهندسی موافقت بیان می‌کند که عموم مردم،

۱. فرهنگ آنلاین وبستر تمامی واژگانی را که به عنوان مترادف دماغوژی بکار برده، به «تحریک کردن [احساسات]»، «برانگیختن»، «برافروختن» و واژه‌های نزدیک به آن معنا کرده و در ادامه با آوردن مثالی عوام‌فریبی را تبیین نموده است.

نک: <https://www.merriam-webster.com/dictionary/demagogue>

فرهنگ آنلاین کمبریج نیز دماغوژی را اینگونه معنا کرده است: شخصی، به ویژه یک رهبر سیاسی، که با برانگیختن احساسات مردم عادی، به جای داشتن ایده‌های خوب یا اخلاقاً درست، مورد حمایت قرار می‌گیرد. اطلاعات سایر منابع نیز نشان می‌دهد که آنچه بیشتر مورد توجه بوده، ظهور و بروز دماغوژی در عرصه انتخابات سیاسی است. نک.:

<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/demagogue>

2. Reason

3. Passion

4. Social planner

5. The Engineering of Consent

انسان‌های کودنی هستند که احساسات و عواطف بر آن‌ها غلبه دارد، در نتیجه می‌توان به سهولت، ذهن آن‌ها را شکل داد، افکارشان را مدیریت کرد و به اهداف مختلف دست یافت. ادوارد برنیز<sup>۱</sup> نظریه پرداز استعماری، در نوشته‌ای با همین عنوان به ابعاد مهندسی رضایت پرداخته است (Bernays, 1969).

لازم به ذکر است، فریب و عوام‌فریبی از نظر معنایی مترادف هستند و اختلاف آن‌ها در این است که دامنه عوام‌فریبی محدودتر بوده و شامل عموم مردم می‌شود. عوام‌فریبی از آن‌رو که توده‌های مردم را مورد هدف قرار می‌دهد، در صورت موفقیت، اثرات جبران‌ناپذیری به دنبال دارد.

کاربرد این واژه در قرآن کریم نشان می‌دهد که مکر به عنوان کلیدواژه فریب با تعبیر گوناگون به کار رفته است. خداوند در قرآن کریم، مکر و حيله در برابر حضرت نوح(ع) را با تعبیر «وَمَكْرُؤًا كَبِيرًا» (نوح، ۲۲) بکار می‌برد. همچنین حيله‌های دشمنان نسبت به اسلام، به قدری فراوان بود که قرآن در سوره سباء از آن به تعبیر «مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ»، به معنای مکر شبانه‌روزی یاد می‌کند (سباء، ۳۳).

در ادامه بحث، ابتدا مولفه‌های عوام‌فریبی در عصر امام رضا(ع) تبیین شده و سپس به راهکارهای ایشان در مواجهه با اینگونه تکنیک‌ها پرداخته می‌شود.

#### ۴. مؤلفه‌های عوام‌فریبی معاندان در عهد امام رضا(ع)

بررسی و تحلیل اوضاع سیاسی دوران امام رضا(ع) نشان می‌دهد که جریان سیاسی حاکمیت با محوریت مأمون و جریان اجتماعی فرقه واقفیه، دو جریانی هستند که به طور هم‌زمان، از مؤلفه‌های عوام‌فریبی برای دستیابی به اهداف خود و تحریک احساسات و عواطف عموم مردم، استفاده می‌کردند. با توجه به اینکه این دو جریان در این دوران غالب هستند، بر این اساس، پژوهش حاضر نیز بر همین دو جریان متمرکز است. در ادامه راهبرد هر دو جریان معاند در کاربست تکنیک‌ها و تاکتیک‌های مختلف عوام‌فریبی بیان و سپس به راهبردهای امام رضا(ع) در جهت خنثی نمودن آن‌ها اشاره می‌شود.

#### ۴-۱. فرافکنی

فرافکنی به معنی نسبت دادن اعمال، عیب‌ها و امیال ناپسند خود به دیگران که در واقع سازوکاری

1. Edward Bernays



پدافندی بشمار می‌آید برای اولین بار در حوزه روانشناسی، توسط فرانک لورنس<sup>۱</sup> (۱۹۳۹)، در مقاله‌ای با عنوان «روش‌های فرافکنی»، به طور واضح بکار گرفته شد. گرچه پیش از او کاربست آن در آثار زیگموند فروید<sup>۲</sup> هم به چشم می‌خورد. این واژه در زبان‌های انگلیسی و فرانسوی به Projection معروف است (شایگان‌فر، بی‌تا: ص ۵۴).

اما در ادبیات جنگ نرم، فرافکنی را می‌توان در سطح تاکتیک ارزیابی و تحلیل نمود، زیرا از نظر ماهیت، عکس‌العملی سریع است. از این‌رو- با در نظر گرفتن ماهیت آن - در سطح تاکتیک، به خوبی قابل توجه است. فرافکنی عبارت است از کوشش در جهت نفی یک احساس منفی یا متخاصم در خود، از راه نسبت دادن آن به شخص دیگر. در بسیاری از مواقع ویژگی‌های منفی و مثبت یک شخص، ماهیت، هدف یا ارزش، به طرف مقابل فرافکن می‌شوند تا آن را پذیرفته‌تر یا ناخوشایندتر کنند (جنیدی، ۱۳۸۸: ص ۲۶۰). دنیامداری خلفای عباسی و در مقابل ساده‌زیستی و زهد امامان شیعه، گواهی روشن تاریخ است که زمینه درک متقابل از سوی مردم را فراهم می‌سازد. مردم امام رضا(ع) را با زهد و گوشه‌گیری از دنیا می‌شناسند و می‌ستایند و در مقابل خلفای عباسی را به خاطر دنیاگرایی و دنیاطلبی مذمّت می‌کنند. از این‌رو، مأمون از همین ابزار استفاده نموده و برای برهم زدن درک درست مردم از رابطه امام با دنیا، پیشنهاد خلافت و ولایتعهدی را مطرح می‌نماید. این مورد را می‌توان از بارزترین نمونه‌های تکنیک فرافکنی مأمون علیه امام رضا(ع) دانست. در این ترفند، عوام‌فریبی بسیار برجسته است و از دو سو حائز اهمیت می‌باشد. یکی هدف مأمون از طرح ولایتعهدی و دیگری موضع امام رضا(ع) در مقابل مأمون. اهمیت این جریان به حدی است که می‌توان یکی از مهم‌ترین بحث‌های تاریخی در مورد زندگی امام رضا(ع) را جریان پیشنهاد ولایتعهدی به آن حضرت دانست. در ابتدا مأمون خلافت را به امام پیشنهاد می‌کند و هدف وی از این پیشنهاد فریب‌کارانه چیزی نبود جز اینکه به مردم ناآگاه بقبولاند که ائمه خواستاران و دوستداران دنیا بوده و زهد و بی‌اعتنایی آن‌ها به دنیا، بر اثر ناتوانی و عدم دسترسی به آن است (فضل‌الله، ۱۳۶۶: ص ۹۲).

به همین منظور مأمون دست به فضاسازی و فراهم نمودن مقدمات می‌کند. او چنین وانمود می‌نماید که خودش را از خلافت عزل نموده است. لذا، در ضمن جلسه‌ای طولانی به امام رضا(ع) می‌گوید: «ای

1. H. Frank Lawrence

2. Z. Freud

ابوالحسن! من خودم را از خلافت عزل می‌کنم و این ردای خلافت را به شما می‌بخشم و با شما در مقام خلیفه بیعت می‌کنم». امام وقتی رفتار و پیشنهاد فریکارانه مأمون را دیدند، به طوری که ایشان با فریب و فرافکنی می‌خواهد دست به عوام فریبی بزند، چنان پاسخی دادند که دیگر مأمون پیشنهاد خلافت را بر زبان نیاورد. امام رضا(ع) فرمودند: «اگر این خلافت از آنِ توست، پس خدا به تو داده و جایز نیست لباسی که خداوند به تو پوشانده است، از تن بیرون کنی و به دیگری بپوشانی و واگذاری، و اگر این مقام از آنِ تو نیست، پس، حق واگذاری چیزی را که از آنِ تو نیست، نداری» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۱۹؛ غلامعلی، ۱۳۹۵: ص ۶۲).

پس از این جلسه، خلیفه دیگر پیشنهاد خلافت را مطرح نکرد. چند روزی به همین منوال گذشت تا اینکه مأمون پیشنهاد ولایتعهدی را پیش روی امام نهاد، اما باز هم در گفتار خود صادق نبوده و در پی اهداف دیگری بود. در این زمینه سید جعفر مرتضی عاملی می‌گوید: «ما در هرچه شک کنیم، در این نمی‌توانیم شک کنیم که مأمون شرایط زمان خویش را پیش از هر اقدامی و تمام جوانب محتمل و بازتاب‌های مختلف را به خوبی بررسی کرده بود. از آن اموری که دست‌های نابکار و هواهای پست بر ما مخفی کرده‌اند و اگرچه این دستاویزش همه نتایجی را که انتظار داشت، نداد و این به سبب نقشه حکیمانه‌ای بود که امام رضا(ع) آن را در پی گرفته بود» (مرتضی عاملی، ۱۳۷۳: ص ۲۰۰؛ طبسی، ۱۳۸۸: ص ۲۱۷).

امام رضا(ع) در ابتدا ولایتعهدی را نیز مثل خلافت قبول نکرده و به مأمون گفتند: من در حیات مسموم، از این دنیا خواهم رفت و مظلومانه به شهادت می‌رسم، در حالی که فرشتگان آسمان و زمین بر من می‌گریند و در سرزمین غربت، در کنار هارون الرشید دفن می‌شوم. مأمون گستاخانه به حضرت گفت: اگر نپذیری تو را خواهم کشت، یا ولایتعهدی یا مرگ. امام رضا(ع) در جواب مأمون می‌فرماید: «خداوند مرا از اینکه خود را به هلاکت اندازم، نهی فرموده است» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۱۹).

تحلیل راهبرد مأمون نشان می‌دهد که وی می‌خواست حقیقتی که سال‌ها در افکار عمومی جای گرفته بود را با فرافکنی مخدوش سازد و به یکی از اهدافش که فریب عوام بود، دست یابد. آن حقیقت این بود که بر اساس تجربه تاریخی مردم دریافته بودند که خلافت و امامت دو مقوله متفاوت از یکدیگر هستند. امامت تماماً با قداست امامان معصوم درآمیخته بود، اما سیاست، عرصه قدرت، دروغ‌پردازی، نیرنگ و فریب شده بود. مأمون با پیشنهاد خود به دنبال این هدف بود که به خلافت هم قداست بخشد و به مردم

القاء کند که خلافت نیز دارای پایگاه معنوی است. می‌خواست با تکنیک فرافکنی، به خلافت لباس معنوی بپوشاند. معنویتی که در طول سال‌ها عملکرد خلفا، آن را زیر سوال برده بود و جز ظاهری فریبنده چیز دیگری از آن باقی نمانده بود. بر این اساس، با ترفند مأمون و نزدیکی امامت با خلافت از طریق طرح ولایتعهدی، از یک‌سو جایگاه امام رضا(ع) در اجتماع تنزل می‌یافت و از سوی دیگر، به خلافت رنگ مشروعیت و لباس قداست می‌بخشید.

#### ۴-۲. تخریب شخصیت

از ویژگی‌های گفتمان حاکم بر جنگ روانی، فضای خصمانه، غیردوستانه و مبنی بر سوءظن، به قصد تخریب و آسیب رساندن است (منصورنژاد، ۱۳۸۶: ص ۶۷).

امام رضا(ع) در میان مردم و عالمان، از جایگاهی خاص و برتر برخوردار بود. ایشان به عنوان مرجع علمی معتبر و عالم آل محمد(ص) مورد توجه و پذیرش واقع شده بود. تا جایی که، حتی عالمان سایر مذاهب در محضر ایشان کسب علم می‌کردند و به جایگاه علمی امام رضا(ع) معترف بودند. این مقام باعث شد، مأمون دست به تخریب شخصیت ایشان بزند، از این‌رو با برپایی جلسات مناظره و طرح سؤالات گوناگون درصدد بود تا امام را از پاسخ دادن عاجز نموده و شخصیت علمی ایشان را در اذهان عمومی تخریب نماید.

مأمون می‌خواست با کشاندن امام رضا(ع) به بحث، تصویری را که عامه مردم درباره ائمه اهل بیت(ع) داشتند و آنان را صاحب علم خاص، مثلاً از نوع علم لدنی می‌دانستند، از بین ببرد (جعفریان، ۱۳۸۳: ص ۴۴۲). این همان ترفند تخریب شخصیت در جنگ نرم است. از این‌رو مأمون جلسات گسترده بحث و مناظره تشکیل داد و علمای مسلمانان و غیرمسلمانان را به این جلسات دعوت نمود. به طور مثال، مأمون از سلیمان مروزی، عالم معروف علم کلام در خطه خراسان می‌خواهد تا با امام رضا(ع) به بحث و مناظره بنشیند. سلیمان که به علم و دانش خود مغرور بود، امتناع کرد و گفت: مبادا سؤالی کنم و از عهده‌اش برنیاید و مأمون در جواب سلیمان گفت: هدف من اتفاقاً چیزی جز این نیست که راه را بر او ببندی، چراکه می‌دانم تو در علم و مناظره توانا هستی (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۱۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ص ۳۱). از این سخن آشکار می‌گردد که هدف اصلی مأمون تخریب شخصیت امام رضا(ع) در برابر مردم است، این مسأله را حدیثی از امام رضا(ع) نیز تایید می‌کند. ایشان در جلسه مناظره- در حضور مخالفین اهل

بیت(ع)- به یارانش می‌فرماید: تحت تأثیر سخنان او قرار نگیرید. به خدا سوگند، هیچ کس جز او مرا به قتل نمی‌رساند، ولی چاره‌ای جز صبر ندارم تا دوران زندگی‌ام به سر آید (مجلسی، بی‌تا: ج ۴۹، ص ۱۸۳).

در شناخت انگیزه مأمون یعنی تخریب شخصیت امام رضا(ع)، همین بس که در پنج سال اول حکومتش، هرگز چنین جلساتی تشکیل نداد، بلکه او این ترفند را فقط بعد از منصوب کردن امام رضا(ع) به ولایتعهدی آغاز می‌کند. وی بعد از کشته شدن امام رضا(ع)، به این جلسات خاتمه می‌دهد (مرتضوی، ۱۳۸۶: ص ۹۴).

#### ۴-۳. تحریف آگاهانه

تحریف یکی از روش‌های جنگ روانی بوده که قبل از اسلام هم وجود داشته است. در روزگار پیامبر(ص)، با وجود اینکه علمای یهود در تورات، با ویژگی‌های پیامبر خاتم(ص) آشنا شده بودند، اما با مکر و حيله به تحریف واقعیت و علائم و نشانه‌های ظهور ایشان پرداختند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (آل‌عمران، ۷۸)، «و از میان آنان گروهی هستند که زبان خود را به خواندن کتاب تحریف شده‌ای می‌پیچانند، تا آن را از مطالب کتاب آسمانی پندارید، با اینکه آن از کتاب آسمانی نیست و می‌گویند آن از جانب خداست، در صورتی که از جانب خدا نیست و بر خدا دروغ می‌بندند، با اینکه خودشان هم می‌دانند.

بعد از رحلت پیامبر(ص)، با شهادت هر امامی، دسته‌ای از مردم، بر سر امامت دیگر به اختلاف می‌افتادند و اینگونه فرقه‌های مختلف به وجود آمد. در زمان امامت امام رضا(ع) نیز اوضاع به همین منوال بود و گروهی بعد از شهادت امام موسی کاظم(ع) به اختلاف افتادند. از جمله آنها، فرقه واقفه<sup>۱</sup> است. لازم به ذکر است در دوران امامت امام رضا(ع)، فرقه‌های مختلفی وجود داشتند، اما از میان آن‌ها فرقه واقفیه در حوزه جنگ نرم و همسو با حاکمیت نقش پررنگ‌تری داشت.

۱. امام رضا(ع) در دوران امامت خود با فرقه‌های مختلف مواجه بودند، از جمله فرقه‌های واقفیه، غلات، متصوفه، معتزله. اما از این بین فرقه واقفیه در حوزه جنگ نرم و همسو با حاکمیت نقش پررنگ‌تری داشتند... برای مطالعه بیشتر به کتاب فرق شیعه (نوبختی، بی‌تا: ص ۷۵) و مقاله گونه‌های مقابله با فرقه‌های کج‌اندیش در سیره امام رضا(ع) (میراحمدی، ۱۳۸۷: ص ۸۰) مراجعه شود.

واقفه یا واقفیه در اصطلاح عام به تمام فرقه‌هایی گفته می‌شود که بر امامت امامی از ائمه معصومین(ع)، قبل از امام دوازدهم(عج) توقف کردند و او را آخرین امام دانستند (صفری فروشانی، ۱۳۹۱: ص ۸۰). اما در معنای خاص به افرادی اطلاق می‌شود که بر امامت امام موسی بن جعفر(ع) توقف کردند و آن حضرت را در سلسله امامت آخرین فرد خواندند (رفیعی، بی‌تا: ص ۹۷) و گاهی ایشان را مهدی منتظر پنداشتند (مغنیه، ۱۳۹۲: ص ۷۵). برخی به واقفیه، لقب ممتوره، یعنی باران خورده را دادند. لذا، افرادی که بر امامت موسی بن جعفر(ع) توقف کردند، با القاب واقفیه و ممتوره مشهور شدند (نوبختی، بی‌تا: ص ۷۵). تحقیقات تاریخی نشان می‌دهد عامل اصلی پیدایش واقفیه، دنیادوستی و مال‌پرستی سران این فرقه انحرافی است. امام موسی کاظم(ع) عده‌ای از اصحاب خود را مأمور جمع‌آوری اموال و وجوه شرعی نمودند که این افراد به وکلای امام مشهور شدند. مهم‌ترین وظایف وکیل را می‌توان در چهار زمینه خلاصه نمود: اخذ و تحویل وجوه شرعی و هدایا، رسیدگی به امور موقوفات، استرداد اموال از غاصبان، توزیع و مصرف اموال (جباری، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۲۸۰). با طولانی شدن مدت زندانی شدن امام کاظم(ع)، اموال زیادی نزد اینان گرد آمده بود. هنگامی که آن حضرت به شهادت رسید، فرزند بزرگوارش امام رضا(ع) از وکلای پدر بزرگوارشان خواستند تا اموال را به وی تحویل دهند. بعضی فریفته دنیا و اموال گرد آمده شده، برای تصاحب آن‌ها دین خود را به دنیای خویش فروختند و در پاسخ به خواسته امام رضا(ع)، منکر رحلت امام کاظم(ع) شدند (رفیعی، بی‌تا: ص ۹۸).

ترفند توقف بر امام کاظم(ع) راهبردی بود که سران واقفیه با تحریف واقعیت و به انگیزه مالی سبب ایجاد پایگاه اجتماعی برای آنان شد و سبب گردید تا نسبت به وجوهاتی که نزد آن‌ها بود، پاسخ‌گو نباشند. واقفیان در جهت تحریف واقعیت و اثبات آراء و اقوال خود، کتاب‌های زیادی نوشتند. تألیف کتاب‌هایی توسط آن‌ها در موضوع غیبت مهدی(عج) از نمونه‌های بارز تحریف واقعیت است. آنان در این کتاب‌ها به طور عمد به ذکر روایات نقل شده از رسول خدا(ص) و ائمه(ع) در خصوص مهدی و قائم آل محمد(ص) پرداخته و سپس آن‌ها را بر امام هفتم(ع) تطبیق داده و این امام را همان مهدی موعود معرفی کردند. به عنوان نمونه، تنها از «علی بن حسن طاطری کوفی» یکی از سران فرقه واقفیه بیش از سی کتاب یاد شده است که از جمله آن‌ها، کتابی با عنوان الغیبیه است (صفری فروشانی، ۱۳۹۱: ص ۱۱۰).

تحلیل جایگاه سران واقفیه به عنوان وکلای امام کاظم(ع) نشان می‌دهد که انحراف هم در خواص و هم در عوام، و در هر سطحی امکان‌پذیر است. واقفیه انحرافات و تحریف‌هایی را در عقاید مسلمانان پدید

آوردند. از این رو امام رضا(ع) پس از ایشان، به مقابله و افشاگری در مواجهه با آنها پرداختند. امام هشتم(ع) در زمان‌های مناسب عقاید نادرست ایشان را بیان می‌فرمودند. البته به دلیل اینکه در ابتدا خاستگاه فرقه واقفیه، عموم مردم بودند و در بین عوام الناس مقبولیت نسبی داشتند، تبیین عدم اصالت آنها از جانب امام(ع) کاری سخت و زمان‌بر بود.

### ۵. راهکارهای امام رضا(ع) در مقابله با عوام‌فریبی معاندان

امام رضا(ع)، متناسب با راهبردهای دو جریان حاکمیت و واقفیه، تکنیک‌هایی را انتخاب نمودند تا فعالیت‌های روانی حریف را بی‌اثر سازند. در ادامه به مهم‌ترین تکنیک‌های امام رضا(ع) اشاره می‌شود.

#### ۱-۵. روشن‌گری

امام رضا(ع) به طور مستقیم هدف مأمون از طرح ولایتعهدی را مطرح می‌کند. مأمون با پیشنهاد خلافت و ولایت به امام رضا(ع) سعی داشت تا به اهداف خود یعنی جلب رضایت ایرانیان، خالی کردن صحنه از وجود امام رضا(ع) و فرونشاندن قیام‌های علویان، دست یابد (ترکمنی آذر، ۱۳۹۰: ص ۱۰۱). اما امام رضا(ع) قبل از اینکه به ولایتعهدی منصوب شود، با ذکر حدیث مشهور سلسله الذهب، اقدام به روشن‌گری می‌کند و خود را دارای ولایت اعلام می‌کند. البته ولایتی که از طرف خداوند است، نه از ناحیه مأمون (مرتضوی، ۱۳۸۶: ص ۶۹). همچنین امام رضا(ع) با سخنان خود در برابر درخواست مأمون، با روشن‌گری، برای عموم مردم آشکار ساختند که هدف واقعی مأمون چیست (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۳۱۳؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۱۱۷).

نمودار ساختن نقاط ضعف امام رضا(ع) در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز از جمله اهداف شوم مأمون در جنگ روانی علیه ایشان است، اما امام رضا(ع) برای قبولی ولایتعهدی شرط‌هایی گذاشتند (قندوزی، بی‌تا: ج ۳، ص ۱۶۸) که دقیقاً مخالف هدف مأمون بود. این موضع‌گیری آگاهانه و عالمانه نشان‌دهنده تسلط کامل امام(ع) بر شرایط زمانه دارد. امام(ع) با گذاشتن شرط‌هایی برای ولایتعهدی (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۳۱۵؛ مجلسی، ۱۳۸۲: ص ۹۳۶؛ امین، ۱۳۷۶: ج ۵، ص ۱۶۱) عملاً این توطئه مأمون را نیز خنثی ساختند.

از این موضع‌گیری امام رضا(ع) نتایج ذیل برداشت می‌شود:

- امام رضا(ع) برای حکومت مأمون مشروعیت قائل نیست.

● سیستم موجود هرگز نظر امام(ع) را به منزله يك نظام حکومتی تأمین نمی‌کرد.

● مأمون برخلاف آنچه در سر داشت، با قبول این شرطها، نمی‌توانست کارهایی را به نام امام(ع) یا به دست او انجام دهد.

● امام هرگز حاضر نبود تصمیم‌های قدرت حاکم را اجرا کند (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۵: ص ۳۶۴).

عملکرد روشن‌گرانه و روشن‌بینانه امام رضا(ع) در مقابل مأمون نشان می‌دهد که حتی اگر با اشراف کامل در جریان بازی جنگ نرم دشمن قرار بگیریم، نباید در ادامه با طرح و برنامه‌های دشمن همراهی کنیم. امام رضا(ع) با اعمال زور و تهدید و برای بقای جامعه، ولایتعهدی را پذیرفت. اما، پس از آن، تمامی طرح‌های دشمن را شناسایی نمود و هرگونه اقدامی را برای خنثی نمودن برنامه‌های دشمن انجام داد. به گونه‌ای که زبان‌های حضور امام(ع) در مسند- به ظاهر ولایتعهدی- برای مأمون، از وضعیت عادی بیشتر شد و در عمل، انحصار فیزیکی قرار داشتن امام رضا(ع) مانع از پیشبرد برنامه‌های روشن‌گری و پایداری بر اندیشه‌های الهی نبود.

## ۲-۵. افشای اعمال و افکار واقفیان (افشاءگری)

در کنار حاکمیت که مخالف وجود امام رضا(ع) بود، جریان‌های اجتماعی- فرهنگی و به‌خصوص فرقه‌های نوظهور نیز وجود داشتند که در هدف با حاکمیت و مأمون همسو بودند. همان‌طور که بیان شد، از جمله آن‌ها فرقه «واقفیه» است که برای خود جایگاه و قدرتی ایجاد کرده و در بین عوام الناس پایگاه اجتماعی به دست آورده بود.

مهم‌ترین رویکرد امام(ع) در مواجهه با عوام‌فریبی «واقفیه»، استفاده از تکنیک افشاءسازی است. به عنوان نمونه، شخصی از امام رضا(ع) در مورد پدر بزرگوارشان پرسید؟ آن حضرت(ع) فرمود: پدرش، همانند پدران‌ش از دنیا رفته است. آن شخص پس از شنیدن پاسخ امام(ع)، گفت: پس با این حدیثی که زرع بن محمد حضرمی از سماعه بن مهران از امام صادق(ع) نقل کرده، چه کنیم؟ امام صادق(ع) فرمودند: «همانا این فرزندم امام کاظم(ع)، به پنج تن از پیامبران شباهت دارد، بر او حسد ورزیده می‌شود، همان‌طور که بر یوسف(ع) حسد ورزیده شد و غایب می‌شود، همان‌طور که یونس غایب شد». امام رضا(ع) در پاسخ فرمود: زرع دروغ گفته است، حدیث سماعه این‌گونه نیست بلکه امام صادق(ع) فرمودند: صاحب این امر یعنی قائم(ع) به پنج تن از پیامبران شباهت دارد و فرمود، فرزندم (طوسی،

۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۷۷۴). امام(ع) با این بیان، در مقابل حربه تحریف واقعیت که توسط یکی از سران واقفیه انجام شده، با تکنیک افشاءسازی، عملاً جنگ نرم معاندان را خنثی می‌سازند و حقیقت را بازگو می‌نمایند. در واقع سخن امام(ع) ضمن افشاءگری دربردارنده روشنگری هم می‌باشد. این راهبرد امام(ع) درس مهمی می‌دهد که امروزه می‌تواند راهگشا باشد، مبنی بر اینکه صرفاً افشاءگری کفایت نمی‌کند و همزمان با آن روشنگری هم لازم است.

نمونه دیگری از افشاءگری امام رضا(ع) در مواجهه با واقفیه، احمد بن محمد یکی از اصحاب امام(ع)، اینگونه نقل می‌کند: «روزی امام(ع) در محله بین زریق ایستاد و با صدای بلند مرا صدا کرد و من جواب گفتم. امام رضا(ع) فرمودند: هنگامی که رسول خدا(ص) از دنیا رفت، مردم تلاش می‌کردند نور خدا را خاموش کنند، اما خداوند مانع شد و نور خدا به وسیله امیرالمؤمنین(ع) نگاه داشته شد. هنگامی که ابوالحسن موسی بن جعفر رحلت نمودند، علی بن ابی حمزه و یارانش کوشیدند تا نور خدا را خاموش کنند، ولی خداوند نور خویش را تکمیل کرد» (مجلسی، بی‌تا: ج ۴۸، ص ۲۶۱؛ خوئی، ۱۳۷۲: ج ۱۲، ص ۲۳۹؛ مامقانی، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۶۱). در اینجا نیز امام رضا(ع) ترفندهای «علی بن حمزه» یکی از سران واقفیه را در جنگ نرم علیه امام(ع) و بکارگیری عوام‌فریبی، افشاءگری و افشاءسازی نموده و با تمسک به آیه قرآن، عمل آن‌ها را چونان اشخاصی می‌داند که می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند.

سفر امام رضا(ع) به بصره و کوفه نیز از نمونه‌های بارز افشاءگری و افشاءسازی ایشان است. بسیاری شیعیان این سامان، بر اثر تبلیغات سوء واقفیه و حمایت دستگاه خلافت از آنان و نیز دسترسی نداشتن به امام زمان خود، نسبت به رحلت موسی بن جعفر(ع) و در نتیجه امامت پیشوای پس از او دچار شک و تردید شده بودند. آن‌ها با دیدار امام رضا(ع) و شنیدن سخنان ایشان در زمینه رحلت پدر بزرگوارش و اثبات امامت خویش و مشاهده دلایل امامت او، شک و تردید از دل‌هایشان زدوده و به امامت آن حضرت معتقد شدند و اختلافشان به وحدت گرایید (رفیعی، بی‌تا: ص ۱۱۵).

امام رضا(ع) در مکاتبات خود نیز دست به افشاءگری پیرامون واقفیه می‌زنند. به عنوان نمونه ایشان در پاسخ نامه علی بن عبدالله زبیری که از واقفیه سؤال کرده بود، نوشت: واقفی، ستیزه‌گر و معاندان حق بوده و بر گناه استمرار دارند و اگر واقفی با این عقیده بمیرد، جایگاهش جهنم بوده و جهنم بد جایگاهی است (طوسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۷۵۶).

نمونه دیگری از افشاءگری امام(ع) در مواجهه با واقفیه، گذاشتن افراد مورد وثوق در اقصی نقاط بلاد



اسلامی است. مثلاً فردی از امام رضا(ع) می‌پرسد: من هر وقت نمی‌توانم شما را ملاقات کنم، از چه کسی دستورات دینی خود را بیاموزم؟ امام(ع) در جواب ایشان می‌فرماید: از «یونس بن عبدالرحمن»؛ او مورد وثوق من است (قمی، ۱۳۵۰: ج ۱، ص ۶۷).

صراحت بیان در مقابله با واقفیه و افشاءگری تحریف‌های آن‌ها و خنثی نمودن عوام‌فریبی سران فرقه واقفیه، حتی بیش از جریان حاکمیت است. این نوع مواجهه امام(ع)، به معنای تفاوت راهبرد ایشان در مقابل واقفیه نیست، بلکه چون «واقفیه» جریانی اجتماعی بوده و خطر جانی برای امام(ع) و پیروان ایشان ندارد، امام(ع) هم در اوج صراحت مواضع خویش را علیه واقفیه اعلام می‌دارد.

مقایسه تطبیقی عملکرد امام(ع) در مقابل دو جریان متفاوت حاکمیت و واقفیه نشان می‌دهد که سنجش شرایط برای اظهار تقابل‌های متفاوت و اتخاذ راهبردهای درست در مواجهه با جنگ نرم معاندان، به ویژه عوام‌فریبی آن‌ها، بسیار مهم است. شما در عوام‌فریبی با توده مردم سروکار دارید و بر این اساس کاربست تکنیک درست، مهم و راهگشاست. نتیجه اینکه، در شرایط مختلف، نحوه رویارویی هم متفاوت است. این به معنای تغییر راهبرد مقابله‌ای نیست، بلکه نوع مقابله متفاوت است. بنابراین، در عرصه جنگ نرم دشمن، ارزیابی دقیق عملکرد رهبر جامعه ضروری است، تا این تفاوت عملکرد، منجر به تمایل رهبر جامعه به گروهی و فاصله گرفتن از گروهی دیگر نشود.

### ۳-۵. ترویج روحیه حقیقت‌گرایی

حق و حقیقت در اسلام از چنان اهمیتی برخوردار بوده که هر چیز مهم و اساسی در دین به حق و حقانیت نسبت داده شده است. در دیدگاه اسلام، معیار تمامی رفتارها، حق است و از مردم درخواست می‌کند تا در زندگی بر مدار حق حرکت کنند (سلیمی، ۱۳۹۴: ص ۱۸۰).

امام رضا(ع) نیز از هر فرصتی برای شناساندن معیارهای الهی استفاده می‌کرد. به‌خصوص در شرایطی که حکومت با بکارگیری سیاست‌هایی همچون جعل حدیث و فریب، سعی در کتمان حقیقت داشتند. در چنین شرایطی ارائه معیاری صحیح برای تشخیص حق و حقیقت ضروری است. در واقع ترویج روحیه حقیقت‌گرایی، سیاستی بود که امام در مقابل تکنیک عوام‌فریبی معاندان بکار گرفت. آنان سعی داشتند آنچه در راستای منافعشان است را گسترش و ترویج دهند، تا بدین‌سان عوام‌الناس را با خود همراه سازند. اما امام(ع) با ترویج روحیه حقیقت‌گرایی در مردم، سعی داشتند تا وضعیت را طوری سامان بخشند که

شیعیان ملاکشان برای تشخیص صحیح و غلط، قرآن باشد و مردم تحت تأثیر عملیات روانی دشمن قرار نگیرند.

#### ۵-۴. مستند‌گویی

از معیارهای مهم گفتار امام رضا(ع)، سخن گفتن، مطابق حقیقت و منابع اصیل بود. ایشان حتی در مواجهه با غیرمسلمانان، از کتاب‌های آسمانی خود آن‌ها دلیل و حجت می‌آوردند. این تکنیک ماهرانه هم راه را بر کتمان حقیقت می‌بندد و هم کلام حق و حقیقت را نمایان می‌سازد. این مسأله در مواجهه امام(ع) با واقفیه هم مشاهده می‌شود. امام(ع) تلاش می‌کند در مقابل عوام‌فریبی آن‌ها، علاوه بر ایجاد فرهنگ قرآنی حقیقت‌گویی، اینگونه افراد یا جریان‌هایی که می‌خواهند حقیقت را کتمان نمایند را رسوا کند.

در دوران امام رضا(ع)، سران واقفیه و دیگر فرقه‌ها، تلاش داشتند تا با تحریف واقعیت و عوام‌فریبی، از طریق جعل حدیث و صدور احکامی که موافق منافع آن‌ها باشد، گروهی از مردم را تحت تأثیر قرار دهند و برای خود جایگاه اجتماعی بسازند. بر این اساس، امام(ع) در مواجهه با این ترفند آن‌ها- ضمن حدیثی طولانی برای شناخت حدیث درست از نادرست- می‌فرمایند: «هنگامی که دو حدیث متفاوت به شما رسید، آن‌ها را بر کتاب خدا عرضه کنید، هر آنچه از حلال و حرام در قرآن وجود داشت، از آن پیروی کنید و آنچه نبود، آن را بر سنت پیامبر(ص) عرضه نمایید و در سنت چه امر و چه نهی از جانب رسول خدا(ع) باشد، پیروی کنید، زیرا آنچه را پیامبر(ص) بر آن اجازه نداده است، ما نیز اجازه نمی‌دهیم و برخلاف آنچه پیامبر(ص) دستور داده است، فرمان نمی‌دهیم (ابن‌بابویه، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۲۰؛ حسینی میلانی، بی‌تا: ص ۴۰).

این سخن امام رضا(ع) یکی از راهکارهای اساسی مبارزه با تکنیک تحریف است. بکارگیری این راهبرد موجب بازگشتن مردم به قرآن و هشدار دادن آنان نسبت به آرای ساختگی و غیر مستند دشمن می‌شود. امروزه علت اصلی پذیرش یک‌جانبه اطلاعات، ضعف جدی در شناخت فضای منازعه جنگ نرم است. وابستگی‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... سبب وابستگی اطلاعاتی به منابع اطلاعاتی خاص می‌شود. این موضوع باعث شده بخشی از واقعیت و حقیقت دیده نشود. از این‌رو، بر مخاطبان عمومی عرصه جنگ نرم لازم است که پیوسته اطلاعات به‌دست آمده را مورد سنجش و ارزیابی قرار دهند. پذیرش بی‌چون و چرای اطلاعات از یک جانب خاص، سبب تعصب در عقیده، شکل‌گیری مرام‌های بدون مبنا و همچنین چنددستگی در جامعه می‌شود.

## ۵-۵. نخبه‌پروری

از جمله راهبردهای مهم امامان(ع)، به ویژه امام رضا(ع) در مواجهه و مقابله با عوام‌فریبی معاندان، نخبه‌پروری است. فرد نخبه که پرورش یافته مکتب اهل بیت(ع) است، باید در برابر جریان منحرف جامعه ایستاده و با آن‌ها مقابله کند. نخبگان باید احادیث و معارف اسلامی را نشر دهند. همچنین با توجه به محدودیت‌هایی که مأمون برای امام رضا(ع) قرار داده بود، ایشان با پرورش گروهی از دانشمندان اسلامی بر مبنای دیدگاه اسلامی و فرستادن آنان به شهرهای بزرگ اسلامی، به ترویج نظریات درست و نفی گرایش و فرقه‌های به وجود آمده، دست یازیدند. امام با این کار که آن را نخبه‌پروری عام می‌نامیم، و عملاً اینگونه عوام‌فریبی معاندان را خنثی نمودند. امروزه راهبرد نخبه‌پروری خاص و عام از سوی امام رضا(ع) در مواجهه با جنگ نرم معاندان، بسیار کارآمد و مفید است.

به عنوان نمونه، حسن بن جهم، از جمله شاگردان و حدیث‌نگاران مکتب امام هشتم بودند (طوسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۳۴۷). برخی از شاگردان امام همچون یونس بن عبدالرحمن به کسب علوم قرآنی پرداخته و به عنوان مرجع شیعه و نماینده امام(ع) به قم فرستاده شدند (پاک‌نیا، ۱۳۸۴: ص ۷۴). امام رضا(ع) در کلامی، یونس بن عبدالرحمن را سلمان روزگار خویش معرفی کردند (امین، ۱۳۷۶: ج ۱۰، ص ۳۲۸). این افراد در ترویج افکار و عقاید امام رضا(ع) و خنثی نمودن جنگ نرم معاندان به ویژه عوام‌فریبی، نقشی مهم ایفا نمودند. در نمونه دیگر و در جهت مقابله با حربه نگارش کتاب توسط واقفیه و تحریف واقعیت، علی بن مهزیار اهوازی از اصحاب امام رضا(ع) بود که از او ۳۳ جلد کتاب به یادگار مانده است که وی دو جلد از آثار خود را به نام «القائم» و «الملاحم» به حضرت مهدی(عج) و نشانه‌های ظهور آن حضرت اختصاص داده است (مهدی‌پور، ۱۴۱۵ق: ص ۱۴).

این شاگردان محدودیت‌های امام(ع) را نداشتند. آن‌ها می‌توانستند مردم را با حقایق پنهان شده، آگاه سازند و اقدامات واقفیه یا مأمون، در جهت عوام‌فریبی و فریب اذهان عمومی نسبت به امام رضا(ع) را خنثی کنند.

در دنیای امروز، فرایند شاگردپروری در نظام‌های جدید، در حال کم‌رنگ شدن است. شیوه‌های مختلف آموزش و انتقال اطلاعات، شاگردپروری و نخبه‌پروری را تضعیف کرده است. اما بی‌شک در دنیای مدرن امروز نیز نخبه‌پروری شیوه‌ای کارآمد برای توانمندسازی جامعه در مقابل جنگ نرم و به ویژه عوام‌فریبی است.

## ۶. نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل مؤلفه‌های جنگ نرم، به ویژه تکنیک عوام‌فریبی در زمان امام رضا(ع) نشان می‌دهد که پایگاه‌های قدرت (پایگاه‌های سیاسی) و پایگاه‌های اجتماعی می‌توانند مهم‌ترین نهادهای ایجاد جنگ روانی و به ویژه عوام‌فریبی در جامعه باشند. اگرچه گزاره‌های تاریخی نسبت به تبانی این دو جریان در زمان امام رضا(ع) ساکت است. اما قابل حدس است که هر دو پایگاه- قدرت و واقعیه- با منافع مستقل در مقابله با امام رضا(ع)، هم‌افزایی نموده و هر کدام به گونه‌ای عوام‌فریبی نمودند. حاصل بررسی تکنیک‌های امام رضا(ع) نیز نشان می‌دهد که یکی از اصول اساسی در مقابله با جنگ نرم، به‌خصوص عوام‌فریبی معاندان، شناخت اهداف حریف از عوام‌فریبی است. تضعیف جایگاه طرف مقابل و نیز منحرف نمودن افکار عمومی، اهداف قابل کشف در عوام‌فریبی است. بنابراین، راهبرد مناسب باید در راستای تقویت جایگاه و روشن نمودن افکار عمومی باشد. افشاء‌گری، روشن‌گری، بیان حقیقت، نخبه‌پروری و... از جمله تکنیک‌هایی هستند که امام رضا(ع) در مقابله با عوام‌فریبی مأمون و فرقه واقعیه بکار گرفتند.

## منابع

## قرآن کریم.

- آشوری، داریوش (۱۳۷۶). *دانش‌نامه سیاسی*. تهران: مروارید، چاپ چهارم.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۲). *عیون اخبار الرضا(ع)*. ترجمه علی‌اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید. تهران: نشر صدوق، ج ۲.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا(ع)*. تهران: جهان، ج ۱.
- اسکندری، حمید (۱۳۹۰). *جنگ روانی و جنگ رسانه*. تهران: بوستان حمید.
- امین، محسن (۱۳۷۶). *سیره معصومان*. تهران: سروش (انتشارات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران)، ج ۵، ص ۱۰.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۳). *سیره سیاسی امام رضا(ع) در قبال مأمون*. فرهنگ رضوی، ۲(۷): ص ۳۱-۷.
- پاک‌نیا، عبدالکریم (۱۳۸۴). *ویژگی‌های امام رضا(ع)*. قم: نسیم کوثر.
- ترکمنی آذر، پروین (۱۳۹۰). *تاریخ سیاسی ائمه‌عشری در ایران (از ورود مسلمانان به ایران تا تشکیل حکومت صفویه)*. قم: شیعه‌شناسی.
- تقی‌زاده داوری، محمود (۱۳۸۵). *تصویر امامان شیعه در دایره‌المعارف اسلام: ترجمه و نقد*. قم: موسسه شیعه‌شناسی.
- جباری، محمدرضا (۱۳۸۲). *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه(ع)*. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۳). *حیات فکری و سیاسی امام شیعه(ع)*. قم: انصاریان.
- جلالی فراهانی، غلامرضا (۱۳۹۰). *پدافند غیرعامل و تهدیدات نوین*. تهران: بوستان حمید.
- جمال‌زاده، ناصر و همکاران (۱۳۹۸). *قدرت نرم در سیره رضوی*. فرهنگ رضوی، ۷(۴): ص ۱۸۷-۲۱۷.
- جنیدی، رضا (۱۳۸۸). *تکنیک‌های عملیات روانی و شیوه مقابله*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- حسینی میلانی، علی (بی‌تا). *التحقیق فی نفی التحریف عن القرآن الشریف*. قم: الحقایق، ج ۲.
- حق‌شناسی، محمدرضا (۱۳۹۲). *راهبرد مقابله با جنگ نرم با تکیه بر سیره امام رضا(ع)*. *عملیات روانی*، ۳۷: ص ۸۴-۷۱.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۳۷۲). *معجم رجال‌الحديث و تفصیل طبقات الرواه*. قم: مرکز نشر الثقافه الاسلامیه، ج ۱۲.
- دهمرد، فاطمه معصومه (۱۳۹۶). *مقابله با جنگ نرم در سیره سیاسی امام رضا(ع)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما حسین خاکپور؛ استاد مشاور هادی زینی ملک آباد. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- رفیعی، علی (بی‌تا). *زندگانی امام رضا(ع)*. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی‌فقیه، مرکز تحقیقات اسلامی.
- سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۹۴). *درس‌نامه حقوق بشر از دیدگاه اسلام*. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- شایگان‌فر، حمیدرضا (بی‌تا). *نقد ادبی*. تهران: انتشارات دستان.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۹۱). *رفتارشناسی امام رضا(ع) و فرقه‌های درون شیعی*. مشهد: چاپ و انتشارات قدس رضوی.
- طبسی، محمدحسین (۱۳۸۸). *امام رضا(ع) به روایت اهل سنت*. قم: انتشارات دلیل ما.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). *اختیار معرفه الرجال*. قم: موسسه آل‌البیت(ع) لاحیاء التراث، ج ۲.

- غلامعلی، مهدی (۱۳۹۵). امام رضا(ع) و زندگی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- فضل‌الله، محمد حسین (۱۳۶۶). *گفتگو و تفاهم در قرآن کریم*. تهران: هرمس.
- قمی، عباس (۱۳۵۰). *مشاهیر دانشمندان اسلام*. ترجمه محمدجواد نجفی. تهران: کتاب‌فروشی اسلامی، ج ۱.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (بی‌تا). *ینایع الموده لذوی القربی*. قم: منظمه الاوقات و الشؤون الخیریه، دارالاسوه للطباعه و النشر، ج ۳.
- مامقانی، عبدالله (بی‌تا). *تتقیح المقال فی علم الرجال*. نجف: مطبعه المرتضویه، ج ۲.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۲). *جلاء العیون: تاریخ چهارده معصوم*. قم: سرور.
- مجلسی، محمدباقر (بی‌تا). *بحار الأنوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار(ع)*. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۴۹-۴۸.
- محمدری شهری، محمد (۱۳۸۸). *منتخب میزان الحکمه با ترجمه فارسی*. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: موسسه علمی-فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، ج ۱.
- مرتضوی، محمد (۱۳۸۶). *ولا یتعهدی امام رضا(ع)*. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مرتضی عاملی، سید جعفر (۱۳۷۳). *زندگی سیاسی هشتمین امام، حضرت علی بن موسی الرضا(ع)*. ترجمه خلیل خلیلیان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۸۳). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۹۲). *تشیع از پیدایش تا بالندگی*. ترجمه احمد ناظم. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸). *مناظرات تاریخی امام رضا(ع) با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- منصورنژاد، محمود (۱۳۸۶). *تحلیلی بر جنگ روانی: با تاکید بر کتاب و سنت*. *مطالعات عملیات روانی*، شماره ۱۶.
- موسی‌پور، مرتضی (۱۴۰۰). *جنگ نرم مقدم بر جنگ سخت؛ چرا و چگونه؟* سپهر سیاست، شماره ۲۹: ص ۱۱۸-۱۳۶.
- مهدی‌پور، علی‌اکبر (۱۴۱۵ق). *چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان*. قم: نشر حاذق.
- میراحمدی، عبدالله (۱۳۸۷). *گونه‌های مقابله با فرقه‌های کج‌اندیش در سیره امام رضا(ع)*. *شیعه‌شناسی*، شماره ۲۳.
- نویختی، حسن بن موسی (بی‌تا). *فرق الشیعه*. بیروت: دارالاضواء.

Bernays, E.L. (1969). **Engineering of Consent**. University of Oklahoma Press.

Bernhardt, D., Krasa, S. & Shadmehr, M. (2021). **Demagogues and the Fragility of Democracy**. University of Warwick, Coventry, United Kingdom.

Gross, M.L. (2017). **Soft War: The Ethics of Unarmed Conflict**. University of Haifa, Israel Tamar Meisels, Tel-Aviv University.

Merritt, E. (2021). **Keep Demagogues Out of Democracy (Visiting Scholar at Vanderbilt University)**. Available at:

<https://www.vanderbilt.edu/unity/2021/04/07/civics-101-keep-demagogues-out-of-democracy/>

Nye, J.S. (1990). *Soft Power*. *Foreign Policy*, No. 80: P.153-171

Roberts-Miller, P. & et al. (2005). *Democracy, Demagoguery, and Critical Rhetoric*. *The Journal of the Kenneth Burke Society*, 8(3): P.859-876. DOI: 10.1353/rap.2005.0069